

بررسی ضرورت‌های مطالعه تاریخ

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

محمود مطهری نیا*

مجید مطهری نیا**

چکیده

رشد و تعالی کشور برای همگان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به دیدگاه‌های رهبران استراتژیست در هر جامعه‌ای موجبات هم‌افزایی و جهت‌دهی واحد تلاش‌ها، برای رسیدن به اهداف موردنظر این رهبران استراتژیست و دست‌یابی به تمدن مطلوب در نظر ایشان را فراهم می‌آورد. به نظر می‌رسد بررسی تاریخ به عنوان یکی از پرگستره‌ترین علوم می‌تواند به رشد و تعالی هر تمدنی از جمله تمدن نوپای برخاسته از انقلاب اسلامی بینجامد. از این رو، ضروری است که به مطالعه دیدگاه‌ها و کارکردهای آن از منظر امام خمینی به عنوان رهبر و طراح انقلاب اسلامی پرداخته شود. روش استفاده شده در این بررسی، کتابخانه‌ای و بر اساس مطالعه و تحقیق در صحیفه امام و همچنین کتاب‌های تألیف ایشان می‌باشد. این ضرورت‌ها و کارکردها را از دیدگاه ایشان می‌توان در دو دسته کلی «اخلاقی و فردی» و «سیاسی و اجتماعی» تنظیم و سامان‌دهی نمود.

کلیدواژه‌ها: تاریخ، امام خمینی، دیدگاه‌ها، ضرورت‌ها، کارکردها، رشد و تعالی.

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف قم. دریافت: ۹۰/۳/۲۵ - پذیرش: ۹۰/۹/۲۳.

motahharynia@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی معارف اسلامی و مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق علیه السلام.

مقدمه

در بسیاری از موارد که ایشان به دعوت به مطالعه تاریخ می‌نمایند، در ارتباط با وقایع در جریان در زمان ایشان می‌باشد، لکن این کارکردها می‌تواند قابل تعمیم به زمان‌های حال و آینده نیز باشد و مقدماتی را برای تعالی تمدن نوپای برخاسته از انقلاب فراهم آورد. حتی بسیاری از آنها می‌تواند در کشورهای دیگر با توجه به رویکرد جهانی جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گیرد؛ نظیر توصیه‌های فراوان امام علیه السلام به مطالعه تاریخ تمدن اسلامی، که ایشان این مطالعه و آگاهی را زمینه‌ساز بیداری در کشورهای اسلامی می‌دانند.^(۳)

به طور خلاصه در این مقاله سعی شده است به این سؤالات پاسخ داده شود که امام خمینی علیه السلام چه ضرورت‌ها و کارکردهایی را برای تاریخ در نظر داشته‌اند؟ و به تبع آن بدین سؤالات نیز پرداخته خواهد شد که نگرش امام علیه السلام به مطالعه تاریخ چگونه است؟ و از نظر ایشان تاریخ را چگونه و با چه رویکردی می‌بایست مطالعه کرد؟ همچنین ایشان برای تاریخ چه ضرورت‌هایی را در ابعاد مختلف

سیاسی - اجتماعی و اخلاقی - فردی مدنظر داشته‌اند؟ هرچند در این پژوهش اشارات مستقیم امام علیه السلام به واژه تاریخ مورد بررسی قرار گرفته است و نمی‌توان آن را به طور قطع کامل دانست، اما به نتایج قابل توجهی رسیده و می‌توان آن را نقطه آغازی برای پژوهش‌های دیگر پژوهشگران در این عرصه دانست. در این مختصر مقال، سعی در سامان‌دهی و مرتب کردن این ضرورت‌ها و کارکردها در قالب دو بخش کلی «اخلاقی - فردی» و «سیاسی - اجتماعی» شده است که هر یک از این بخش‌ها با توجه به بازه‌ها و مقاطع خاص تاریخی به بخش‌های مختلفی تقسیم شده‌اند.

پیش از ورود به اصل سخن، ضروری می‌نماید که به کلیاتی از بحث پردازیم:

رشد و تعالی کشور برای همگان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به دیدگاه‌های رهبران استراتژیست در هر جامعه‌ای موجبات هم‌افزایی و جهت‌دهی مناسب تلاش‌ها، برای رسیدن به اهداف موردنظر این رهبران استراتژیست و دستیابی به تمدن مطلوب در نظر ایشان را فراهم می‌آورد و عدم توجه به نظرات آنها موجب تشتت تلاش‌ها و نیروها و اتلاف منابع می‌باشد. بنابراین، ضروری است که ابعاد مختلف نظراتشان مورد بررسی قرار گیرد و در اختیار متخصصان و بخصوص مسئولان قرار گیرد تا بتوانند هم در زندگی شخصی خویش از آن بهره ببرند و هم در هر جایگاهی از کشور اسلامی هستند برای رشد و تعالی کشور برنامه‌ریزی و البته از آن استفاده بنمایند. از این رو، در این مقاله آراء و نظرات امام خمینی علیه السلام به عنوان طراح انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، امام خمینی، به عنوان عالم و سیاست‌گذاری جامع، برخلاف بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران زمان خویش به تاریخ و عبرت‌اندوزی از تاریخ توجه ویژه‌ای داشته‌اند که این مسئله با توجه به سخنرانی‌های ایشان در مقاطع مختلف زمانی به روشنی مشهود می‌باشد. لکن این رویکرد تاریخی امام علیه السلام به سبب توجه به نظرات سیاسی ایشان، از توجه پژوهشگران مخفی مانده است. از این رو، برخلاف پژوهش‌های مختلفی که پژوهشگران در حوزه‌های مختلف فقه و حقوق، علوم سیاسی، عرفان، تمدن اسلامی و حتی شعر و ادبیات در اندیشه ایشان صورت داده‌اند، دایره پژوهش‌ها در اندیشه ایشان در حوزه تاریخ بسیار محدود است؛ آن‌هم در حد گردآوری صرف آراء و نظرات ایشان در ارتباط با تاریخ معاصر^(۱) و تاریخ انبیا و صدر اسلام.^(۲) حال آنکه حقیقتاً تاریخ در اندیشه امام علیه السلام بسیار فراتر از آن بوده و ایشان کارکردها و ضرورت‌های فراوانی را از تاریخ در نظر داشته‌اند و گرچه

مفهوم‌شناسی تاریخ

معنای لغوی و اصطلاحی تاریخ

بنابر مشهور، تاریخ از ماده «ارخ» به معنای وقت و زمان است؛ بنابراین، تاریخ به معنای تعیین وقت و معرفی زمان است. از این رو، وقتی عرب می‌گوید: ارخت الكتاب لیوم کذا؛ یعنی تاریخ نوشته را مشخص کردم.^(۴)

اما تاریخ در معنای اصطلاحی آن معنایی متفاوت پیدا می‌کند. در باب معنای اصطلاحی تاریخ، گستره‌ای از دیدگاه‌ها وجود دارد که هریک از این دیدگاه‌ها نشان‌دهنده میزان عمق و بینش هریک از اندیشمندان این حوزه می‌باشد.

هردوت^(۵) که به پدر علم تاریخ مشهور است، تاریخ در معنای اصطلاحی آن را، مطالعه و بررسی روزگاران گذشته می‌دید.^(۶) همچنین این‌گونه برداشت می‌شود که مقریزی، مورخ مشهور مصری، تاریخ را خبر دادن از آنچه در گذشته در جهان رخ داده است، می‌داند.^(۷) ابن‌خلدون نیز تاریخ را علمی می‌داند که درباره کیفیات وقایع و موجبات و علل حقیقی آنها صحبت می‌کند. به همین سبب، وی تاریخ را دانش سرچشمه از حکمت می‌داند.^(۸) در تعریفی که ابن‌خلدون ارائه می‌کند به اندیشه و تحقیق درباره حوادث و مبادی آنها اشاره شده است. از این رو، تعریف ابن‌خلدون از دو تعریف سابق کامل‌تر می‌باشد، گرچه وی در عمل نمی‌تواند پایبندی به ادعای خویش را نشان دهد و در تاریخ خود به تاریخ نقلی صرف می‌پردازد. از همین رو، می‌توان رویکرد هر سه تاریخ‌دان مزبور را رویکرد نقلی به تاریخ دانست. شهید مطهری در تعریف خود از تاریخ، میان تاریخ نقلی و علمی تفاوت قایل می‌شود و تاریخ نقلی را «علم به وقایع و حوادث و اوضاع و احوال انسان‌ها در گذشته، در مقابل اوضاع و احوالی که در زمان حال وجود دارد»^(۹) می‌داند و در مقابل، تاریخ علمی را «علم به قواعد و سنن

حاکم بر زندگی‌های گذشته که از مطالعه و بررسی و تحلیل حوادث و وقایع گذشته به دست می‌آید»^(۱۰) تعریف می‌نماید. این رویکرد ایشان را می‌توان در آثاری نظیر *سیری در سیره نبوی و سیری در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام* مشاهده نمود.

اهمیت تاریخ

در اهمیت تاریخ سخن فراوان گفته شده است و هرکس از زاویه‌ای سعی کرده این اهمیت را نشان بدهد. برای نمونه، نویسندگانی تاریخ را برای جامعه به منزله حافظه برای افراد می‌دانند؛ یعنی همان‌طور که برای فرد، از دست دادن حافظه برابر است با از دست دادن هویت، برای جامعه نیز عدم رجوع به تاریخ برابر است با احراز نکردن هویت.^(۱۱) در این نوشتار، می‌کوشیم به نحو اجمال نظر قرآن - به عنوان کتاب هدایت بشر در همه اعصار - و *نهج البلاغه* - به عنوان کتابی که می‌توان آن را بعد از قرآن بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب‌های بخش بشر^(۱۲) دانست - را بیان کنیم و در آخر هم به بررسی نظر امام خمینی علیه السلام در این رابطه بپردازیم. با دقت نظر در قرآن، می‌توان به راحتی اهمیت فراوانی را که این کتاب انسان‌ساز آسمانی برای تاریخ قایل شده است مشاهده کرد. قرآن کریم در برخی موارد، خود به قصه‌سرایی می‌پردازد؛ آن‌هم از بهترین نوع قصه‌پردازی‌ها.^(۱۳) به عبارت دیگر، قرآن با تاریخ‌گویی در بهترین قالب‌ها، به گردش در زمین و عبرت‌گیری از عاقبت گذشتگان دعوت می‌کند.^(۱۴) خداوند متعال در آیه ۱۷۶ سوره «اعراف» می‌فرماید: ﴿فَأَفْضُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ این داستان‌ها را بازگو کن شاید بیندیشند. همچنین در آیه ۱۱۱ سوره «یوسف» می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾؛ در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.

گوشزد می‌نماید. به بیان خود امام، ایشان به گونه‌ای تاریخ پیشینیان را مطالعه کرده بودند که گویی خود در سراسر تاریخ و با نسل‌های پیشین زیسته و از تمام تجربه‌های مفید آنها بهره گرفته‌اند.^(۱۸) ایشان درباره این اهمیت می‌فرمایند: «از حوادث گذشته تاریخ، برای آینده عبرت گیر، که حوادث روزگار همانند بوده، و پایان دنیا به آغازش می‌پیوندد، و همه آن رفتنی است.»^(۱۹) نیز می‌فرمایند: «روزگار بر آیندگان چونان می‌گذرد که بر گذشتگان گذشت؛ آنچه گذشت باز نمی‌گردد، و آنچه هست جاودان نخواهد ماند، پایان کارش با آغاز آن یکی است، ماجراها و رویدادهای آن همانند یکدیگرند، و نشانه‌های آن آشکار است.»^(۲۰)

اهمیت تاریخ از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

تاریخ در سخن امام خمینی نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «در هر صورت، ماها که الآن اینجا هستیم باید خودمان را بسازیم. اگر یک ملتی بخواهد مقاومت کند برای یک حرف حقی، باید از تاریخ استفاده کند. از تاریخ اسلام استفاده کند ببیند که در تاریخ اسلام چه گذشته؛ و اینکه گذشته سرمشق هست از برای ما.»^(۲۱) و یا در جای دیگر، تاریخ را به عنوان معلم انسان‌ها معرفی می‌کنند که باید از آن عبرت گرفت.^(۲۲)

گرچه امام علیه السلام مخاطبان خویش را از موضوعیت پیدا کردن تاریخ و تاریخ‌نگاری صرف برحذر می‌دارند و آن را تقبیح می‌نمایند، لیکن با توجه به رویکرد خاص ایشان به تاریخ (عبرت‌آموز بودن تاریخ)، در منظر ایشان، حفظ تاریخ و ثبت دقیق وقایع، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛^(۲۳) چراکه در غیر این صورت، زمینه‌های عبرت‌گیری برای آیندگان سلب، و در صورت تحریف تاریخ، زمینه‌های انحراف و بلکه تباهی نسل‌های آینده پدید می‌آید. از این‌رو، تحریف تاریخ را نگران‌کننده و

قرآن مجید دوران‌های گذشته را با زمان حاضر و زمان حاضر را با تاریخ گذشته پیوند می‌دهد، و پیوند فکری و فرهنگی نسل حاضر را با گذشتگان برای درک حقایق لازم و ضروری می‌داند؛ زیرا از ارتباط و گره خوردن این دو زمان (گذشته و حاضر) وظیفه و مسئولیت آیندگان روشن می‌شود. در آیه ۱۳۷ سوره «آل عمران» می‌فرماید: ﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾ خداوند سنت‌هایی در اقوام گذشته داشته که این سنن هرگز جنبه اختصاصی ندارد و به صورت یک سلسله قوانین حیاتی درباره همگان، گذشتگان و آیندگان، اجرا می‌شود. در این سنن، هم پیشرفت و تعالی افراد باایمان و مجاهد و متحد و بیدار پیش‌بینی شده، و هم شکست و نابودی ملت‌های پراکنده و بی‌ایمان و آلوده به گناه؛ مواردی که در تاریخ بشریت ثبت است.^(۱۵) همچنین در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که ناظر بر شرح حال انبیا می‌باشد. البته این داستان‌ها برای عبرت می‌باشد نه برای تاریخ‌گویی صرف. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «این آیات الهیه و تعالیم ربانیه برای بیدار کردن ما بیچاره‌های خواب، و هشیار نمودن ما سرمستان غافل آمده. این قصص قرآنی که حاصل معارف تمام انبیا، و خلاصه سیر و رشد همه اولیا، و بیان درد و درمان هر عیب و مرض نفسانی، و نور هدایت طریق الهی و انسانی است، برای قصه گفتن و تاریخ عالم نیامده. مقصود از آنها با آن همه تشریفات در تنزیل و نزول، بیان تاریخ گذشتگان نیست برای صرف اطلاع و تاریخ‌دانی.»^(۱۶) در اهمیت تاریخ می‌توان این نکته را نیز افزود که قرآن، تاریخ را در کنار «فطرت» (ضمیر انسان) و «طبیعت» به عنوان یکی از منابع تفکر (منابع شناخت) معرفی می‌کند.^(۱۷)

نهج البلاغه نیز با همان رویکرد قرآن به تاریخ می‌نگرد، و با بیانی شیوا، ضمن تفسیر فرازاها و فرودهای تاریخ، نکته‌های عبرت‌آموز زندگی گذشتگان را به بشر

[باید] در هر قصه از قصص آن، بلکه هر آیه از آیات آن، جهت اهتدا به عالم غیب و حیث راه‌نمایی به طرق سعادت و سلوک طریق معرفت و انسانیت را به متعلم بفهماند.»^(۲۹)

آگاهی و پیروی از این نگرش که می‌توان آن را «نگرش عبرت‌محور» در مطالعه تاریخ نامید، موجب جهت‌دهی درست به مطالعات، یعنی به سمت عبرت‌گیری از تاریخ و عدم تاریخ‌گویی صرف بدون هدف می‌شود. از این‌رو، لازم است که تاریخ‌دانان و متولیان تاریخ در کشورمان بدین مهم توجه ویژه داشته باشند تا بتوان از تاریخ بهره لازم را برد.

ضرورت‌های مطالعه تاریخ از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

در این قسمت، به بررسی تطبیقی ضرورت‌ها با زمینه‌های موردنظر امام خمینی علیه السلام در دو بعد می‌پردازیم که بخش اول، شامل ضرورت‌های اخلاقی و فردی است و بخش دوم دربرگیرنده ضرورت‌های اجتماعی است. البته باید توجه داشت که این ضرورت‌ها قابل تفکیک به این دو بخش به طور کاملاً جدا از هم نمی‌باشند و هر دو بخش در بعضی از موارد با یکدیگر دارای اشتراکاتی هستند که سعی شده است هر ضرورت در بخشی که بدان بیشتر متمایل بوده است قرار گیرد:

۱. فردی و اخلاقی

۱-۱. تاریخ انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام: ایشان مطالعه تاریخ انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام را برای افراد ضروری می‌دانند و دلایل آن را این‌گونه برمی‌شمرند:

۱. کسب معارف الهیه و تعلیمات و تربیت‌های ربوبیه؛^(۳۰)

۲. آموختن روش تربیت و تعلیم و انذار و تبشیر؛^(۳۱)

رنج‌آور می‌دانند.^(۲۴) امام خمینی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به آقای روحانی، که از جانب ایشان مأمور تدوین تاریخ اسلامی شده بود، این اهمیت را این‌گونه نشان می‌دهند: «شما به عنوان یک مورخ باید بدانید که عهده‌دار چه کار عظیمی شده‌اید.»^(۲۵)

روش مطالعه تاریخ از منظر امام خمینی

امام خمینی علیه السلام در روش مطالعه تاریخ، به روش قرآن و اهل‌بیت علیهم السلام تأسی دارند و تاریخ را برای عبرت از گذشتگان و درس گرفتن از آن توصیه می‌کنند.^(۲۶) در کتاب **آداب الصلاة**، که از کتب اخلاقی - عرفانی ایشان به شمار می‌رود، به طور خاص در مطالعه شرح حال ائمه اطهار علیهم السلام و اولیا و بزرگان دین، از اینکه فقط به قشر و صورت - صرف نظر از آنچه که غایت بعثت انبیا علیهم السلام بوده است - و نیز به سال و روز وفات و تولد و مقدار عمر ایشان و امثال این امور اکتفا شود نهی می‌کنند و تأکید می‌فرمایند که باید عمده سیر خواننده در سیر و سلوک ایمانی و عرفانی آنها باشد؛ یعنی اینکه معاملات آنها در عبودیت چه بوده و در سیر الی‌الله چه مشیی داشتند و مقامات عرفانی آنها، که از کلمات معجز آیات آنها به دست می‌آید، چه اندازه بوده است.^(۲۷) همچنین ایشان می‌فرمایند: «... علم تاریخ و امثال آن، در صورتی که با نظر عبرت به آنها مراجعه کنیم. پس، آنها داخل شوند در "آیه محکمه" که به واسطه آنها علم به الله یا علم به معاد حاصل یا تقویت شود. و گاه شود که تحصیل آنها داخل در "فریضه عادلّه" و گاه داخل در "سنت قائمه" شود؛ و اما اگر تحصیل آنها برای خود آنها با استفادات دیگری باشد، پس اگر ما را از علوم آخرت منصرف نمودند، به واسطه این انصراف بالعرض مذموم شوند، و الا ضرر و نفعی ندارند.»^(۲۸)

امام علیه السلام در رابطه با تفسیر قرآن می‌فرمایند: «مفسّر

اکرم) بیان می‌دارند. البته لازم به توجه است که نگرش امام علیه السلام در این مورد با موارد قبلی دارای تفاوتی ویژه می‌باشد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «و چون به بدهت عقل می‌دانیم که از عقل یک نفر بشر، که تاریخ حیات او را همه مورخین ملل نوشته‌اند و شخصی بوده که تحصیل نکرده و در محیط عاری از کمالات و معارف تربیت شده، این ترتیب کامل و نظام تام و تمام صادر نتواند شد، بالضروره می‌فهمیم که از طریق غیب و ماوراءالطبیعه این شریعت تشریح شده و به طریق وحی و الهام به آن بزرگوار رسیده [است].»^(۴۰)

۱-۲. احوال بزرگان دین و هادیان: حاضر نمودن قلب برای نماز: امام علیه السلام توصیه می‌کنند که به منظور حاضر نمودن قلب برای نماز و ملزم نمودن آن به خضوع و خشوع و طمأنینه و خشیت و خوف و رجا و ذل و مسکنت، در احوال بزرگان دین و هادیان و ائمه هدی به تفکر بپردازیم.

۱-۳. تاریخ به طور کلی (از جهت فردی و اخلاقی):

۱-۳-۱. حب نفس، منشأ تمام فسادها و ضرورت مصونیت از آن: امام علیه السلام منشأ همه فسادها را در طول تاریخ حب نفس (به معنای اخلاقی نه فلسفی آن) یافته‌اند و از آن برحذر می‌دارند: «این یک واقعیتی است. و اساس حب دنیا هم، ریشه حب دنیا هم، حب نفس است که آن هم حب دنیا است. تمام فسادهایی که در بشریت پیدا شده است، از اولی که بشریت تحقق پیدا کرده است تاکنون و تا آخر، منشأش همین حب نفس است. از حب نفس است که حب به جاه، حب به مقام، حب به مال و حب به همه انگیزه‌های شهوانی پیدا می‌شود.»^(۴۱)

۱-۳-۲. نقش زن و مادران در طول تاریخ: عبرت گرفتن مادران از تاریخ، در این زمینه که یک فرد می‌تواند یک مملکت را سعادت‌مند کند و در صورت عدم تربیت درست، ممکن است یک مملکت را فاسد کند.^(۴۲)

۳. بیداری و هوشیاری اخلاقی. امام علیه السلام در این رابطه، بیان داستان‌های انبیا در قرآن را به منظور بیداری و هوشیاری اخلاقی می‌دانند: «[داستان‌های قرآن] بیان درد و درمان هر عیب و مرض نفسانی، و نور هدایت طریق الهی و انسانی است.»^(۳۲) همچنین در جای دیگر می‌فرمایند: «ذکر احوال رجال بزرگ و اولیا و انبیا که در قرآن کریم و احادیث شریفه وارد شده، برای تاریخ‌گویی نیست، بلکه برای تکمیل بشر است که از حالات بزرگان عالم عبرت گیرند و خود را به صفات کریمه آنان و اخلاق فاضله ایشان، متّصف کنند.»^(۳۳)

امام علیه السلام در رابطه با زندگی امیرالمؤمنین، تأکید ویژه‌ای بر تبعیت از ایشان در همه امور (ورزش و نیروی بدنی، زهد و سادگی و...) ^(۳۴) به عنوان یکی از تربیت‌شدگان مکتب نبی مکرم صلی الله علیه و آله دارند.^(۳۵)

۴. ضرورت دفاع از حق و طرف‌داری از مظلومان. ایشان خاندان نبوت را به عنوان انسان کامل، بلکه بالاتر از آن، انسان الهی - روحانی، که تمام زندگی‌شان را وقف طرف‌داری از مظلومان و احیای سنت‌های الهی کرده‌اند می‌دانند و به عموم مسلمانان توصیه می‌کنند ایشان را سرمشق و الگوی خود قرار دهند؛^(۳۶) تأسی به نبی اکرم در سعی و تلاش ایشان در طول زندگی^(۳۷) و اینکه سیره انبیا و اصحابشان در طول تاریخ، فدا شدن در راه اسلام بوده است و در حالی که تنها بودند و حتی خانواده‌شان هم با آنها مخالف بودند، قیام می‌کردند.^(۳۸) همچنین به این مطلب توجه می‌دادند که راه الهی و راه شیطان دو راه می‌باشد و تنها می‌توان یکی از این دو راه را انتخاب کرد.^(۳۹) البته این مورد در رابطه با اجتماع می‌باشد، لکن از آن رو که خطاب به صورت فردی می‌باشد در بخش فردی آورده شده است.

۵. همچنین ایشان زندگی پیامبر در قبل از بعثت و زمان بعثت را به عنوان «یکی از ادله مبنی بر نبوت رسول

۲. سیاسی و اجتماعی

در این بخش، ابتدا اشارات و توصیه‌های امام خمینی علیه السلام به مطالعه تاریخ انبیا و تاریخ اسلام (شامل صدر اسلام و تاریخ خلفا) را مورد بررسی قرار می‌دهیم. پس از این برهه از تاریخ، وارد تاریخ ملی ایران می‌شویم و به بررسی تاریخ شاهان، مبارزات علما و تاریخ ۱۰۰ ساله معاصر حضرت امام علیه السلام و در نهایت، انقلاب اسلامی می‌پردازیم. بخش سوم را نیز به عبارات دیگر، اشارات و توصیه‌های عام که اختصاص به زمان خاصی نداشته است اختصاص می‌دهیم.

۲-۱. تاریخ انبیا و تاریخ اسلام:

۲-۱-۱. تاریخ انبیا و صدر اسلام (تاریخ دوران خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و تاریخ ائمه علیهم السلام بخصوص تا زمان امام زین العابدین علیه السلام):

۱. وجود حکومت و ولایت فقیه از منظر اسلام و پیوند دین و سیاست. از جمله توصیه‌های امام علیه السلام در این زمینه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: مطالعه تاریخ به منظور تبیین وجود حکومت از نظر اسلام و وجود ولایت فقیه و رد جدایی دین از سیاست و اینکه این مسئله (جدایی از سیاست) از اسلام و ادیان توحیدی نمی‌باشد؛^(۴۳) اسلام به عنوان یکتا مکتب و حکومتی که انسان را در همه ابعاد و در همه زمینه‌ها در نظر دارد می‌باشد (از جمله، انسان در معادلات اجتماعی)؛^(۴۴) و مسجد و منبر به عنوان مرکز تصمیم‌گیری‌های سیاسی بوده است؛^(۴۵) در همه جا در صحنه بودن و حضور داشتن امیرمؤمنان و پیامبر و عدم کناره‌گیری و رفتن به مسجد و تنها ذکر گفتن؛^(۴۶) تشکیل حکومت دادن نبی اکرم اسلام و حتی [مشخص کردن] جانشین برای بعد از خود به عنوان سنت و رویه پیامبر اکرم در مسئله حکومت؛^(۴۷) منعزل نبودن علمای ما در تاریخ از سیاست؛ به عنوان مثال، قضیه مشروطیت که یک مسئله سیاسی بود، هرچند شرایط جامعه نیز این‌طور نبوده است

که بتوان حتی به اهل علم گفت که مسئله حکومت بوده است و سیاست بوده است.^(۴۸) همچنین نگاه به تاریخ اسلام و اینکه اسلام می‌تواند حاکم و اداره‌کننده امور باشد که در نتیجه، منجر به شخصیت پیدا کردن خودمان و نجات از غرب زدگی است.^(۴۹)

۲. تشریح مختصات تشیع و سیاسی - اجتماعی بودن این مذهب. امام علیه السلام مطالعه تاریخ را برای مشاهده سیاسی - اجتماعی بودن مذهب شیعه و مبارزه دایمی آن با ظالمان تاریخ توصیه می‌کنند: مکتبی که در همه شئون کشور باید دخالت کند و می‌خواهد دخالت کند و می‌خواهد دست ظالمین را از سر مملکت اسلامی، بلکه مستضعفین کوتاه کند.^(۵۰) مذهب شیعه، در عین اینکه مکتبی سیاسی - اجتماعی است، در هنگام رسیدن به قدرت ظلم نمی‌کند، در عین اینکه پیش از آن نیز ظلم‌پذیر نبوده است؛^(۵۱) یعنی تاریخ به عنوان شاهدهی بر اینکه شیعیان همواره برای احقاق حقوق خود فداکاری کرده‌اند و همیشه خون داده‌اند.^(۵۲)

۳. تبیین نظام حکومتی اسلام و متفاوت بودن اسلام از عملکرد حاکمان منتسب به اسلام. اثبات دموکراسی بودن حکومت صدر اسلام و عدم استبدادی بودن آن^(۵۳) و نیز تغییر مسیر یافتن اسلام و عدم دستیابی به نتیجه مطلوب به عنوان مکتب انسان‌ساز و انحراف به سمت عربیت توسط بنی‌امیه و بعد هم بنی‌عباس و ایرانیان و دیگران که موجب مسخ اسلام شد و در نتیجه، اسلام که مکتب انسان‌سازی بود و همه ابعاد مختلف انسانی را در نظر داشت، نتوانست آن‌گونه که باید عمل کند و طبعاً اسلام برای مردم در تاریخ مجهول ماند.^(۵۴) همچنین امام علیه السلام در رد نظام‌های حکومتی و سیاسی دیگر، از تاریخ به منظور اثبات مخالف بودن ملی‌گرایی با سیره انبیا^(۵۵) و نیز مخالف بودن اسلام با کمونیست^(۵۶) استفاده می‌نمایند.

۴. بیان ویژگی‌های حاکم و سیره مورد تأیید اسلام. مطالعه و تورق تاریخ برای توجه به اخلاق حکومتی نبی

اکرم و امیرالمؤمنین^(۵۷) و حاکم مطلوب از نظر امام^(۵۸) و شناخت اسلام^(۵۹) و شیوه حکومت در صدر اسلام^(۶۰) برای مثال، خدمتگزار دانستن نه حاکم دانستن خود^(۶۱) احترام به پیروان ادیان^(۶۲) ارزش گذاردن به کارگر و قشر پایین جامعه در عین حاکم بودن^(۶۳) همچنین دفاع اسلام از حقوق زنان و احیای حقوق ضایع شده آنها در دوران جاهلیت و تشریح نظر اسلام در باب فعالیت زنان در جامعه (مخالف فعالیت آنها نبودن با شرایط خاص اخلاقی)^(۶۴).

همچنین امام^(۶۵) به لزوم تسلیم نشدن در برابر خواسته‌های سازش‌کاران اشاره دارند و در این رابطه این‌گونه می‌فرمایند: «ما باید از تاریخ این مسائل را یاد بگیریم که این مقدسین بودند که به حضرت علی تحمیل کردند حکمیت را و بعد که حضرت علی با فشار اینها نتوانست، می‌خواستند بکشندش اگر نکند و همچنین است صلح امام حسن^(۶۶)، در مسئله سازش‌کاری بعضی از مقدسین در مسئله جنگ. البته اینها تأثیرگذار نیستند، ولی سخن می‌گویند و خواستار این صلح هستند.»^(۶۵)

۵. نفی مخدر بودن دین و اینکه ابزاری در دست شاهان بوده است. ایشان بررسی تاریخ را به منظور نفی اینکه اسلام به نفع شاهان و سرمایه‌داران و علیه مردم و مستضعفان بوده است و اعلان جنگ اسلام با شاهان و سرمایه‌داران^(۶۶) و بهره‌برداری از سیره پیامبر و امام علی و علما بعد از ایشان در مبارزه با طاغوت و مخدر نبودن اسلام^(۶۷) و توطئه اجانب برای نشان دادن اینکه اسلام در خدمت طاغوت بوده است^(۶۸) و جوسازی‌ها بر ضد اسلام در این رابطه^(۶۹) و تاریخ به عنوان شاهدی بر اینکه اسلام، له فقیران و مستضعفان قیام کرده است^(۷۰) و اسلام حافظ استقلال و منافع دنیوی و منافع آخرتی و حافظ منابع ملی در طول تاریخ^(۷۱) (در مقابل مستکبران داخلی و خارجی) بوده است و همچنین به منظور مشاهده معارضه دایمی مستکبران با مؤمنان در طول تاریخ^(۷۲)

توصیه می‌نمایند.

همچنین امام^(۷۳) در این رابطه می‌فرمایند: «قرآنی که نه یک حرف بر آن افزوده شده و نه یک حرف کاسته؛ کتاب کریمی که ما را از برخورد انبیای معظم الهی با مستکبرین جهان و جهان‌خواران طول تاریخ آگاه نموده و از طریقه حضرت خاتم‌الرسال - صلی‌الله علیه و آله و سلم - با مشرکان و زورگویان و کفار و در رأس آنان منافقان، مطلع کرده و این برخورد، جاویدان و برای هر عصری و هر مصری است.»^(۷۳)

۶. بیان وظیفه علما برای مبارزه و ایستادگی. امام خمینی^(۷۴) به تاریخ به منظور بیان وظیفه علما در مبارزه با دولت‌های جائز و ایستادگی در مقابل آنها^(۷۴) و بیان تکلیف در حفظ انقلاب و آبروی مکتب اشاره می‌نمایند و همچنین متذکر می‌شوند: تاریخ شکست‌های ظاهری پیامبر و ائمه، که هرچند به ظاهر شکست خوردند، لکن منجر به پیروزی مکتبشان و نابودی دشمنان‌شان شد و موجب افتخار برای آنها شد. از این رو، می‌افزایند: اگر ما هم شکست بخوریم، موجب افتخارمان خواهد بود و مکتبمان زنده خواهد ماند، ولیکن اگر این شکست به نام مکتب باشد این خطرناک است و گناهی نابخشودنی^(۷۵) خواهد بود.

۷. بیدار کردن ملت‌های مسلمان و زمینه‌سازی بیداری اسلامی. امام خمینی^(۷۶) این بخش از تاریخ را برای اسلامی کردن ملت‌ها و بیدار کردن آنها مفید می‌داند و در این رابطه می‌فرمایند: «بکوشید که ملت‌های خودتان را اسلامی کنید، ملت‌های خودتان را بیدار کنید و تاریخ صدر اسلام را برای آنها بخوانید و کوشش‌های آنها را برای اسلام و مسائل ایران را در آنجا منعکس کنید.»^(۷۶)

۸. شکست نیروهای عظیم مادی در برابر نیروهای معنوی و نیروی ایمان و تحمل سختی‌های مسیر. تاریخ به عنوان شاهدی مبنی بر شکست نیروهای عظیم مادی در برابر نیروهای معنوی و نیروی ایمان، و همچنین ایمان به

زمان بنی‌امیه مطرح شدن آن و در زمان بنی‌عباس قوت گرفتن آن و تلاش استعمار برای جدا کردن روحانیون از سیاست به بهانه آلوده شدن» (۸۹)

۲. مخالف نبودن اسلام با پیشرفت. ایشان به منظور بیان موفقیت اسلام در راه ترقی، و روشن نمودن این تهمت مبنی بر اینکه اسلام با امور اقتصادی مخالف است، دعوت به رجوع به تاریخ و مشاهده حکومت علمای اسلام در مدت ۵۰۰ سال و موفقیت‌های ایشان می‌نمایند، در حالی که خلفا انسان‌های جائری بوده‌اند. (۹۰)

۳. شناخت عوامل انحطاط مسلمانان. امام خمینی علیه السلام به منظور کشف عامل انحطاط و ریشه‌های گرفتاری مسلمانان، از تاریخ بهره می‌جویند و از این علل برحذر می‌دارند. ایشان مهم‌ترین عامل انحطاط مسلمانان را دوری و بی‌خبری از تعالیم واقعی و حیات‌بخش اسلام می‌دانند. (۹۱) البته امام علیه السلام عوامل مختلف داخلی و خارجی دیگری را نیز به عنوان عوامل انحطاط مسلمانان معرفی می‌کنند. (۹۲) در کل، ایشان در رابطه با گرفتاری‌های مسلمانان می‌فرمایند: «همه گرفتاری‌هایی که در طول تاریخ برای مسلمانان رخ داده است ناشی از این است که از تعلیمات اسلام دور بودند و نتوانستند هدایتی را که اسلام برای آنها آورده بود ادراک کنند.» (۹۳) ایشان همچنین در مورد ملت‌ها می‌فرمایند: «اساس استضعاف ملت‌ها خودشان و قدرتمندان بین خودشان بوده است.» (۹۴)

۲-۲. تاریخ ملی:

۲-۲-۱. تاریخ شاهنشاهی و شاهان:

۱. ظلم‌ها و مفسد رژیم شاهنشاهی در طول تاریخ. امام علیه السلام با توصیه به مطالعه این بخش از تاریخ، بدین نکته تصریح می‌نمایند که هرچه مفسد بوده است، رژیم شاهنشاهی این مفسد را ایجاد کرده، منتها هر وقت به اقتضای خودش (۹۵) و نیز متوجه ساختن به ظلم رژیم شاهنشاهی در طول تاریخ، (۹۶) و بردوش محرومان بودن

عنوان عامل پیروزی مسلمانان در برابر دو امپراتوری بزرگ زمان (۷۷) و البته به طور کلی، پیروزی‌ها. (۷۸)

امام علیه السلام در سخنانی که به منظور بیان ضرورت حفظ حوزه‌های علمیه بیان می‌فرمایند چنین می‌گویند: «اگر تاریخ ظلمه و ستم‌دیدگان دنیا را مطالعه کنید می‌بینید که غلبه همیشه با مظلوم است. معاویه با آن قدرت و عظمت و بساطی که داشت از بین رفت و امروز در شام، که مرکز سلطنت او بود، حتی از قبر او خبری نیست.» (۷۹)

همچنین رهبر کبیر انقلاب، ماه محرم را به عنوان ماهی که نحوه پیروزی کلمه حق را بر سر نیزه‌ها آموخت (۸۰) معرفی می‌نمایند و با اشاره به پیروی ملت ایران از امام حسین علیه السلام برای برکناری حکومت ظالم حاکم (۸۱) و فدا کردن همه چیز، (۸۲) «عدد» را مهم نمی‌دانند، بلکه آنچه در نظر ایشان مهم است، کیفیت جهاد در مقابل اعدا می‌باشد. (۸۳) نیز اقتدا به جوان‌های صدر اسلام در فداکاری‌هایی که برای اسلام کردند (۸۴) و همچنین پیروی از اسلام و رهبران آن و انبیا در مبارزه با آزادی مطلوب غرب (۸۵) و اقتدا به ایشان به منظور شکستن بت‌ها و طاغوت‌های زمان (۸۶) و قابل تحمل بودن همه ضربه‌ها و سختی‌ها و آسان شدن آنها با تاسی به تاریخ مبارزات انبیا که قبلاً مبارزه و اولیا و علما در طول تاریخ بر علیه ظلم بوده و آنها را مشکلات مادی، از اهدافشان باز نداشته است (۸۷) و طبیعتاً هم‌اکنون هم که ما قیام کرده‌ایم مشکلاتی نظیر گرانی و... طبیعی است. (۸۸)

۲-۱-۲. حکومت مسلمانان (دوران خلفا) و علمای اسلام در

۵۰۰ سال:

۱. رد جدایی دین از سیاست. امام علیه السلام به منظور رد مسئله جدایی دین از سیاست، دعوت به مطالعه تاریخ می‌کنند و تاریخ را دلیلی بر مدعای خویش می‌دانند که جدایی دین از سیاست را بنی‌امیه به وجود آوردند: «مسئله جدایی دین از سیاست به عنوان یک مسئله قدیمی که در

تاریخ می‌نمایند و درباری نبودن روحانیت^(۱۰۶) و نیز قیام آنان در طول تاریخ در مقابل سلاطین و خیانت‌های شاهان^(۱۰۷) دفاع می‌کنند. همچنین به منظور قدرشناسی از روحانیت و خدمات آنها و بیان مبارزاتشان برای انقلاب^(۱۰۸) و مسجدها در برابر استعمار^(۱۰۹) - به همراه - مجاهدات مردم،^(۱۱۰) با اشاره به استمرار قیام‌های علما پیش از انقلاب می‌فرمایند: «علمای ما از آن صدر اول تا حالا، در هر عصری قیام کردند و در تاریخ نشان می‌دهد که اینها [پیوسته] قیام‌هایی کردند و زمین خوردند.»^(۱۱۱)

۲-۲-۳. تاریخ ۱۰۰ ساله معاصر امام (تاریخ استعمار):

۱. برحذر داشتن از تکرار توطئه‌ها و نفوذ استعمارگران. امام^(۱۱۲) به منظور برحذر داشتن از تکرار توطئه‌ها و گوشزد نمودن خطر نفوذ استعمارگران، بخصوص اسرائیل در ایران و توطئه‌های استعمار در ممالک اسلامی،^(۱۱۲) روشنگری‌های بسیاری می‌فرمایند؛ از جمله، فعالیت‌های آنان در غارت منابع مادی، شامل تلاش‌هایشان برای شناخت سرزمین ایران و منابع آن^(۱۱۳) و چپاول منابع و ثروت‌های کشور توسط آنها^(۱۱۴) و سعی آنها در شناخت گروه‌های مختلف مردم^(۱۱۵) و نقشه کشیدن‌هایشان در طی قرون^(۱۱۶) و همچنین فعالیت‌ها و تلاششان در بی‌هویت ساختن ملت شرق^(۱۱۷) و به ویژه تلاش‌ها برای غرب‌زده کردن ملت ایران در طول تاریخ و به طرف غرب و شرق کشیدن بخصوص در دوران پهلوی^(۱۱۸) و تلاش در بی‌هویت نمودن ارتش.^(۱۱۹) برای مثال، ایشان در رابطه با تلاش‌ها برای فاسدکردن ملت و سرگرم کردن آنها به مسائل جانبی اینچنین می‌فرمایند: «وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان، خصوصاً طبقه جوان، به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازی‌های کودکانه و به مسابقه کشاندن

پایه‌های حکومتشان،^(۹۷) همچنین معرفی شاهان به عنوان قاصبان حقوق مردم در طول تاریخ^(۹۸) و جنایات رژیم منحوس شاهنشاهی در طول تاریخ^(۹۹) و اثر تبلیغات در خوب معرفی کردن اعمالشان^(۱۰۰) و مشخص بودن وضعیت شاهان در طول تاریخ^(۱۰۱) و همچنین تحت فشار و ظلم سلاطین و پادشاهان و خان‌ها و سرمایه‌داران بودن مردم در طول تاریخ.^(۱۰۲)

۲. دلیلی حداقلی بر توانایی فقیه در اداره امور. امام^(۱۰۳) در رد روحانیانی که می‌گویند ما از عهده حاکمیت بر نمی‌آییم، عدم لیاقت عمده پادشاهان و اینکه مانند یک انسان معمولی بودند، ولی حکومت می‌کردند، در حالی که حتی سواد هم نداشتند، این مطلب را دلیلی حداقلی در این می‌داند که فقیه با سواد به طریق اولی از عهده این کار برمی‌آید.^(۱۰۳)

۲-۲-۲. تاریخ مبارزات علما و حرکت‌های سیاسی‌شان و

خدماتشان: امام^(۱۰۴) به منظور آگاهی بخشیدن نسبت به خدمات علما در طول تاریخ در مقابل تهمت‌ها و همچنین کوچک‌بینی‌ها و روشنگری توطئه‌هایی که بدین منظور صورت می‌گیرد، بدین بحث در جلسات مختلف و مناسبت‌های مختلف می‌پردازند. این مباحث که هم قبل و هم بعد از انقلاب توسط ایشان مطرح شده‌اند، عبارتند از: آگاهی بخشیدن نسبت به خدمات روحانیان و فقها به اسلام چه از جنبه‌های فلسفه، احکام، اخلاق، و چه سیاست. ایشان علت قضاوت نادرست بعضی خیرخواهان در این زمینه را عدم اطلاع ایشان از تاریخ بیان می‌دارند^(۱۰۴) و (از جمله خدمات علما) اینکه علما همیشه حافظ استقلال و تمامیت ممالک اسلامی بوده‌اند و تنها چیزی که توانسته و می‌تواند سد راه اجانب و دولت استعمارگر باشد و نگذارد سلطه بر ذخایر ممالک اسلامی پیدا کنند اسلام و علمای جلیل اسلام هستند.^(۱۰۵) ایشان به تاریخ اشاره می‌کنند و به عبارت دیگر، دعوت به مطالعه

چونان حال به کوخ نشینان.^(۱۲۷) همچنین به حمایت دولت‌ها از قلدرها در طول تاریخ و عدم حمایت از مستضعفان^(۱۲۸) و محروم بودن ملت ایران در طول تاریخ^(۱۲۹) و البته مورد ظلم قرار گرفتن ملت در طول تاریخ از جانب قدرت‌های داخلی و خارجی بخصوص در نیم قرن آخر^(۱۳۰) اشاره دارند. ایشان در رابطه با خیانت‌های رژیم پهلوی در محروم کردن از پیشرفت می‌فرمایند: «معلوم است ما را در طول تاریخ نه چندان دور خصوصاً، و در سده‌های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده‌اند و دولت‌مردان خائن و دودمان پهلوی خصوصاً، و مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خود کوچک دیدن‌ها و یا ناچیز دیدن‌ها، ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد.»^(۱۳۱)

۴. دفاع از حقوق ملت ایران. رهبر کبیر انقلاب به منظور دفاع از حقوق ملت مبنی بر عدم مالکیت رضا شاه در اموالی که از مملکت خارج کرده است و ضرورت بازگرداندن آن به ملت ایران^(۱۳۲) و دلیل آوردن مبنی بر غیرقانونی بودن سلطنت شاه - که این مورد جزو مبارزات سیاسی امام در پیش از انقلاب می‌باشد -^(۱۳۳) به مطالعه این بخش از تاریخ دعوت می‌نمایند.

۵. نحوه حکومت‌داری. امام علیه السلام استفاده از تاریخ برای برداشت نحوه درست تعامل دولت‌ها با مردم (نحوه حکومت‌داری^(۱۳۴)) و عبرت گرفتن از وقایع تاریخی را بدین منظور و همچنین به منظور شناخت نظام سیاسی مورد نظر اسلام ضروری می‌دانند.

برای نمونه، در رابطه با نحوه حکومت‌داری رژیم‌های سلطنتی، به عدم محور بودن حکم خداوند در آن رژیم‌ها و رژیم‌های غیرتوحیدی اشاره می‌کنند که قوانین آنها بر اساس عقل انسان بوده، و برای تسلط بر انسان‌ها می‌باشد. حال آنکه در حاکمیت دولت اسلام در صدر اسلام، قوانین خداوند حاکم بود.^(۱۳۵)

خانواده‌ها و مصرفی بار آوردن هر چه بیشتر و... و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوان‌ها که عضو فعال هستند با فراهم آوردن مراکز فحشا و عشرتکده‌ها، و ده‌ها از این مصائب حساب شده، برای عقب‌نگه‌داشتن کشورهاست.»^(۱۲۰)

۲. آگاهی از تلاش استعمارگران برای مخفی کردن و نابود کردن اسلام. امام خمینی علیه السلام برای آگاهی از تلاش جنایتکاران تاریخ (استعمارگران) برای در حجاب قرار دادن اسلام و مکتب استقلال‌بخش اسلام (به عنوان مکتبی که با مستضعفان برادر، و با ستمگران در ستیز است)^(۱۲۱) و بلکه تلاش استعمار در نابودی اسلام و سعی در شکاف انداختن بین حوزه و دانشگاه^(۱۲۲) و همچنین به منظور فهم علت این‌که چرا گروه‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور بر ضد روحانیت قلم به دست می‌گیرند و یا صحبت می‌کنند،^(۱۲۳) دعوت به مطالعه این بخش مهم از تاریخ می‌نمایند.

۳. مقایسه قبل و بعد از انقلاب و پیشرفت‌های صورت‌گرفته. ایشان پس از انقلاب اسلامی به منظور روشن نمودن وضعیت زمان حکومت رژیم منحوس پهلوی و حتی قبل از آن و همچنین تفاوت‌های نظام جمهوری اسلامی و به عبارتی، به منظور دفاع از نظام حاکم کنونی، از تاریخ بهره می‌جویند و به مطالعه در آن دعوت می‌نمایند.

ایشان به مقایسه انتخابات (دخالت در انتخابات مجلس موسسان پیش از انقلاب^(۱۲۴)) و همچنین مقایسه عملکرد نیروهای مسلح (متجاوز بودن ارتش و ژاندارمری در زمان طاغوت^(۱۲۵)) و البته مقایسه وضع کنونی با رژیم سابق در میزان نفوذ قدرت‌های خارجی نظیر انگلیس - که امام علیه السلام آن را ناشی از تغییر اتکای نظام به مردم می‌دانند -^(۱۲۶) می‌پردازند. همچنین امام علیه السلام با اشاره به خدمت‌هایی که به مردم شده است، می‌افزایند: در زمان شاهنشاهی خدمات متوجه کاخ‌نشینان بوده است نه

ایشان در رابطه با نقطه اتکای دولت‌ها می‌فرمایند: «وقتی حکومتی پایه قدرتش به دوش ملت نباشد و ملت با قلبش با آن موافق نباشند، هرچه قدرتمند باشد هم نمی‌تواند پایداری کند.» (۱۳۶)

همچنین در رد نظام‌های سیاسی دیگر نیز از این تاریخ ۱۰۰ ساله استفاده می‌نمایند و اشاره دارند به تغییر پیراهن دموکرات در طول تاریخ و تغییر آن و اینکه الان در غرب و شرق دارای دو معنای متفاوت است و معنای ثابتی ندارد. (سستی آن برای تبعیت) (۱۳۷).

نیز در رابطه با نحوه حکومت‌داری، به لزوم عبرت گرفتن ملت و مسئولان از تاریخ رژیم سابق برای فهم علت جدایی ملت از آنها و کارشکنی ملت در برابر آنها (۱۳۸) اشاره می‌کنند؛ چراکه به عنوان نمونه، وقتی قشر مرفه مسئول امر باشند اینها مردم را به حساب نمی‌آورند (و این قشر مقابل قشر قدرتمندتر خاضع و در مقابل مردم خودشان ستمگر هستند). (۱۳۹)

۶. تبیین آزادی واقعی برای زنان (ارائه نمونه از آزادی همراه با پایبندی به اسلام). امام خمینی علیه السلام همچنین از این بخش تاریخ، برای متوجه ساختن به نقش فعال زنان و فعالیت زنان پایه‌پای مردان در امور اجتماعی - سیاسی و مشکلات کشور در تاریخ ۱۰۰ ساله ایران و تبیین آزادی واقعی که همراه با پایبندی به اسلام است و بیان ظلمی که در دوران پهلوی به زنان شده است، (۱۴۰) استفاده می‌نمایند.

۲-۲-۴. تاریخ پس از انقلاب اسلامی:

- ویژگی‌های انقلاب اسلامی و ملت ایران و تجلیل از مردم. امام علیه السلام مطالعه تاریخ را برای شناخت مردم ایران و انقلاب اسلامی و همچنین ویژگی‌های آنان ضروری می‌دانند. ایشان انقلاب اسلامی را این‌گونه معرفی می‌کنند: انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی آرام نسبت به سایر انقلاب‌ها، دارای ضایعات کم و ثمرات زیاد و عمق زیاد (۱۴۱) می‌باشد. همچنین ایشان به یکتایی تحولی که

در ملت به وجود آمده است در طول تاریخ، (۱۴۲) بی‌نمونه بودن چنین حکومتی در طول تاریخ (۱۴۳) اشاره می‌کنند و خطاب به نمایندگان مجلس برای نشان دادن وظایفشان می‌فرمایند: «اعضای محترم مجلس انقلاب‌های تاریخ را در نظر بگیرند، با انقلاب اسلامی ایران مقایسه نمایند، تا عظمت اعجاز‌آسای این انقلاب و حجم فعالیت‌های شایسته قوای سه‌گانه را بهتر توجه کنند.» (۱۴۴)

امام علیه السلام در رابطه با ویژگی‌های خاص ملت ایران بیانات قابل توجهی دارند و مردم ایران را به عنوان بهترین مردم در طول تاریخ و همچنین مسئولان کشور را به عنوان بهترین‌ها (۱۴۵) معرفی می‌کنند و یکتایی وضعیت ملت در دفاع از کشور در طول تاریخ (۱۴۶) و بهتر بودن این مردم در مقایسه با مردم حجاز و مردم زمان پیامبر و حضرت علی علیه السلام (۱۴۷) را گوشزد می‌نمایند.

همچنین امام علیه السلام بیان مشابهی راجع به اقشار مختلف نظیر جوانان، (۱۴۸) زنان، (۱۴۹) عشایر، (۱۵۰) گروه‌های خاص مانند کمیته امداد و یا گروه‌های امداد (۱۵۱) و بازاریان (۱۵۲) یا مردم بخش‌هایی از کشور نظیر آذربایجان (۱۵۳) دارند که نیازی به بیان مفصل آنها دیده نمی‌شود. البته لازم به تذکر است که خطاب‌های امام علیه السلام نسبت به بازاریان و عشایر و مردم آذربایجان به دلیل خدمات این اقشار در طول تاریخ به اسلام می‌باشد و به عبارت دیگر، عام‌تر از تاریخ پس از انقلاب می‌باشد و به دلیل مشابهت، لازم بود که در این بخش آورده شود.

۲-۲-۵. تاریخ به طور کلی (در خصوص موارد سیاسی و

اجتماعی):

۱. استفاده از تاریخ و سرمشق گرفتن از آن برای موفقیت. امام علیه السلام در ضرورت سرمشق گرفتن ملت‌ها برای پیروزی، اینچنین می‌فرمایند: «در هر صورت، ماها که الان اینجا هستیم باید خودمان را بسازیم. اگر یک ملتی بخواهد مقاومت کند برای یک حرف حقی، باید از تاریخ استفاده

اجتماع در مهام امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه ارباب تعدی است، که مستلزم فساد بنی‌الانسان و خراب [شدن] مدینه فاضله است. و این مقصد بزرگ، که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد، مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری، و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند، و جمعیت به منزله یک شخص باشد و افراد به منزله [یک شخص] باشد، و تمام کوشش‌ها و سعی‌ها حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی، که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند. و اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع یا یک طایفه پیدا شد، غلبه کنند بر تمام طوایف و مللی که بر این طریقه نباشند. (۱۶۰)

همچنین امام علیه السلام در ارتباط با وحدت گروه‌های داخلی اینچنین می‌فرمایند: تاریخ یک درس عبرت است برای ما که با ایجاد اختلاف میان مشروطه‌خواهان مانع از اینکه مشروطه آن‌گونه که علمای خواستند اجرا شود. (۱۶۱)

امام علیه السلام در لزوم وحدت حوزه و دانشگاه و آگاهی دانش‌آموزان در این زمینه، توصیه به مطالعه تاریخ انقلاب می‌فرمایند: «امروز دانش‌آموزان باید سعی کنند تاریخ انقلاب اسلامی مان را و نقش وحدت بین خودشان و دانشگاهیان را با روحانیون بیاموزند؛ زیرا اگر روحانیون، شما را و شما، روحانیون را بشناسید و با هم تفاهم کنید، مطمئن باشید که جناح‌های غرب‌زده و شرق‌زده از منافقان و چپ‌گرایان و دیگر خراب‌کاران و منحرفان بر شما و کشور اسلامی تان طمع نخواهند کرد؛ و اگر هم طمع کنند، با شکست قطعی مواجه خواهند شد.» (۱۶۲)

البته لازم به تذکر است که گرچه این توصیه خاص تاریخ انقلاب می‌باشد، لکن به دلیل مشابهت با سایر موارد در این بخش (یعنی وحدت)، لازم دیده شد که در این قسمت جای داده شود.

کند. از تاریخ اسلام استفاده کند، ببیند که در تاریخ اسلام چه گذشته؛ و اینکه گذشته سرمشق هست از برای ما.» (۱۵۴)

همچنین امام علیه السلام در پیام به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور، به سرمشق بودن حوادث بزرگ تاریخ برای ساختن جامعه‌ها و اشخاص و جامعه عصر ما، که عصر انقلاب است، اشاره می‌کنند و چنین می‌فرمایند که باید به ذکر و تذکر این ایام، که ایام‌الله است، بپردازیم؛ چراکه برای ملت درس انقلاب است؛ قضایایی که در ایام‌الله رخ داده است موجب بیداری و آموزنده است. (۱۵۵)

۲. توصیه به حرکت مسلمانان بر پایه قوت ایمان. ایشان با توصیه به مسلمانان برای سرمشق قرار دادن تاریخ، می‌فرمایند: هر وقت حرکت مردم و مسلمانان با قوت ایمان بوده، با نصر همراه بوده است و هر وقت که قیام برای آمل نفسانی بوده نصر از آنها فراری بوده است. (۱۵۶) از این رو، شاهد پیروزی و عدم آسیب‌پذیری در مواردی هستیم که اسلام در کار بوده است و عدم پیروزی و آسیب‌پذیری در مواردی که حرکت‌ها فاقد آن بوده است؛ نظیر ماجرای نفت که تنها جنبه ملی داشته است. (۱۵۷)

۳. متنبه ساختن به ضرورت وحدت اعم از وحدت حکومت‌های اسلامی و وحدت گروه‌های اسلامی داخل و خارج از کشور برای رسیدن به مطلوب. امام علیه السلام عبرت گرفتن دولت‌های اسلامی از تاریخ و حل اختلافاتشان (۱۵۸) را الزامی می‌دانند و بدین حقیقت متوجه می‌سازند که دشمنان غدار کشورهای اسلامی با ایجاد تفرقه و اختلاف به وسیله عمالشان و تبلیغات رسانه‌هایشان همه ملت‌ها و دولت‌های اسلامی را در اسارت کشیده‌اند و دسترنج مظلومان این کشورها را به غارت برده و می‌برند. (۱۵۹)

امام علیه السلام درباره وحدت می‌فرمایند: [آنچه] وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است، و

[در] کشورهای اسلامی است و در ایران که مهد تشیع و اسلام و شیعه است، در مقابل حکومت‌هایی که پیش می‌آمدند و بنای بر این داشتند که اساس اسلام را از بین ببرند، اساس روحانیت را از بین ببرند، آن چیزی که در مقابل آنها، آنها را می‌ترساند، این مجالس عزا و این دستجات بود.» (۱۷۱)

نتیجه‌گیری

در مجموع، مطالب بیان‌شده را این‌گونه می‌توان جمع‌بندی نمود که امام خمینی علیه السلام رویکردی خاص، که البته به تاسی از قرآن و ائمه هدی علیهم السلام می‌باشد، به تاریخ دارند که آن را می‌توان رویکرد «عبرت‌محور» نامید. همچنین ایشان ضرورت‌ها و کارکردهای مختلفی را از تاریخ در نظر داشته‌اند که می‌توان آن را به دو بخش «اخلاقی و فردی» و «سیاسی و اجتماعی» تقسیم کرد. البته هریک از این دو بخش نیز بخش‌های متعددی را شامل می‌شوند. این ضرورت‌های فردی و اخلاقی را می‌توان در سه بخش «تاریخ انبیا و ائمه اطهار»، «احوال بزرگان دین و هادیان» و «تاریخ به طور کلی (از منظر فردی)» و از نظر سیاسی در بخش‌های «تاریخ انبیا و تاریخ اسلام» و «تاریخ ملی» و در نهایت «تاریخ به طور کلی (از منظر ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی)» سازمان‌دهی و تنظیم نمود. البته کارکردهای مدنظر امام علیه السلام محدود به زمانی خاص نبوده و قابل تعمیم، استفاده و الگوبرداری در زمان حاضر نیز می‌باشد.

۴. ضرورت کار بر دو حوزه علم و تقوا. امام خمینی تأکید می‌نماید که دانشگاه‌های ما باید روی دو بخش کار کنند: رکن علم و رکن تربیت معنوی. (۱۶۳) و ایشان به منظور بازسازی از تکرار آسیب‌هایی که در طول تاریخ از جاهلان دیده‌ایم، به استفاده و بهره‌برداری از جهالت مردم در طول تاریخ به عنوان گرفتاری بزرگ ما در طول تاریخ (۱۶۴) اشاره می‌فرمایند و همچنین عدم رشد مکتب‌های توحیدی را به عنوان صدمه‌ای که اسلام و بلکه همه انبیا از عالمان غیرمهدب دیده است بیان می‌دارند و در این رابطه می‌فرمایند: «معلوم نیست که آن قدری که از طرف عالم غیرمهدب با اسلام صدمه دیده‌است، از طرف جهال غیرمهدب با اینکه عددشان زیاد است، صدمه دیده‌است.» (۱۶۵)

۵. ضرورت ایستادگی در برابر توطئه‌ها با توجه به سابقه‌دار بودن آنها در طول تاریخ. امام خمینی دعوت می‌کنند به مطالعه تاریخ به منظور مشاهده سابقه‌دار بودن مسائلی که برای مسلمانان پیش می‌آید؛ چه از شهادت‌ها و چه از خراب‌کاری‌های فجّار. (۱۶۶) و همچنین پر بودن تاریخ از خیانت بزرگان اسلام به آن، (۱۶۷) که می‌توان گفت: امام علیه السلام از این مسائل ضرورت استقامت در وقایع مختلف را استنتاج می‌نمایند و بدین نکته اشاره دارند که حق در طول تاریخ بر باطل پیروز بوده است (۱۶۸) و این تنها مردان تاریخ بوده‌اند که در برابر قدرت‌ها ایستادگی کرده‌اند. (۱۶۹)

۶. نیازمند وقت بودن اصلاحات و همچنین نیازمند مجاهدت و فداکاری بودن آن. امام علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «در تمام طول تاریخ بشر هرگز چنین معجزه‌ای روی نداده است که یک شبه همه چیز درست بشود و بر طبق اسلام شود و اصلاح شود، بلکه نیازمند مجاهدت‌ها و فداکاری‌هاست.» (۱۷۰)

۷. اهمیت مجالس عزاداری در طول تاریخ و اهمیت سیاسی این مجالس. امام علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: «در طول تاریخ، این مجالس عزا که یک سازمان‌دهی سرتاسری

- ۳۲- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۸۸.
- ۳۳- همان، ص ۳۴۸.
- ۳۴- همو، صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۶۳.
- ۳۵- همان، ج ۱۱، ص ۲۰.
- ۳۶- همان، ج ۶، ص ۵۳۰؛ ج ۲۰، ص ۷۶.
- ۳۷- همان، ج ۵، ص ۴۶۶.
- ۳۸- همان، ج ۱۷، ص ۲۱۰.
- ۳۹- همان.
- ۴۰- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۰۱-۲۰۲.
- ۴۱- امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۶۲.
- ۴۲- همان، ج ۷، ص ۲۸۴.
- ۴۳- همان، ج ۳، ص ۳۳۹؛ ج ۲۰، ص ۱۱۷-۱۱۸.
- ۴۴- همان، ج ۱۲، ص ۵۰۳.
- ۴۵- همان، ج ۸، ص ۱۸۴.
- ۴۶- همان، ج ۱۷، ص ۱۰۷.
- ۴۷- امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۶.
- ۴۸- همو، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۷-۱۱۸.
- ۴۹- همان، ج ۸، ص ۷۹-۸۰.
- ۵۰- همان، ج ۱۱، ص ۱۲۵.
- ۵۱- همان، ج ۵، ص ۵۳۳.
- ۵۲- همان، ج ۵، ص ۱۷۱؛ ج ۱۹، ص ۴۹۶؛ ج ۱۵، ص ۴۱۷.
- ۵۳- همان، ج ۴، ص ۳۲۵؛ ج ۱۰، ص ۹۶.
- ۵۴- همان، ج ۱۱، ص ۴۵۱-۴۵۲.
- ۵۵- همان، ج ۲۰، ص ۸۷.
- ۵۶- همان، ج ۵، ص ۱۷۰.
- ۵۷- همان، ج ۴، ص ۱۷۸ و ۲۲۰.
- ۵۸- همان، ج ۵، ص ۵۱۳؛ ج ۶، ص ۵۷؛ ج ۷، ص ۲۵۸؛ ج ۸، ص ۲۳۱؛ ج ۱۱، ص ۲؛ ج ۲۰، ص ۲۳.
- ۵۹- همان، ج ۶، ص ۱۶۳.
- ۶۰- همان، ج ۹، ص ۵۱۶.
- ۶۱- همان، ج ۱۳، ص ۲۰۳؛ ج ۱۶، ص ۴۵۱.
- ۶۲- همان، ج ۱۷، ص ۱۰۰.
- ۶۳- همان، ج ۱۶، ص ۲۳۴.
- ۶۴- همان، ج ۴، ص ۴۲۸.
- ۶۵- همان، ج ۲۰، ص ۱۱۸.
- ۶۶- همان، ج ۴، ص ۹۹.
- ۶۷- همان، ج ۴، ص ۲۱۶-۲۱۷ و ۳۲۰؛ ج ۶، ص ۸۹.
- ۶۸- همان، ج ۶، ص ۱۵۹ و ۲۰۲-۲۰۳.
- ۶۹- همان، ج ۶، ص ۲۳۷؛ ج ۷، ص ۴۴، ۳۲۷، ۳۳۸ و ۳۸۹؛ ج ۸، ص ۲۹۱-۲۹۲ و ۴۵۵-۴۵۶؛ ج ۹، ص ۱۶۹-۱۷۱.
- ۷۰- همان، ج ۶، ص ۱۵۹ و ۲۰۲-۲۰۳.
- ۷۱- همان، ج ۱۰، ص ۲۴۸-۲۴۹.
- ۷۲- همان، ج ۹، ص ۳۹۶.
- پی‌نوشت‌ها**
- ۱- ر.ک: تاریخ معاصر از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، تحقیق محمد هاشمی تروجنی و حمید بصیرت‌منش.
- ۲- ر.ک: سیمای معصومین در اندیشه امام خمینی علیه السلام، تحقیق مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- ۳- امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۱۴.
- ۴- ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۴۲۹.
5. Herodotus.
- ۶- هنری لوکاس، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ج ۱، ص ۶.
- ۷- تقی‌الدین مقریزی، المواعذ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۱، ص ۴.
- ۸- ابن خلدون، دیوان المبتدأ، ج ۱، ص ۶.
- ۹- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۳۶۷.
- ۱۰- همان، ص ۳۶۸.
- ۱۱- غلامعلی حداد عادل، «مختصری در باب اهمیت تاریخ»، گنجینه اسناد، ش ۶۱، ص ۶.
- ۱۲- امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۶.
- ۱۳- ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۱، ص ۱۰۲، ذیل آیه ۳ سوره یوسف.
- ۱۴- قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، سوره انعام، آیه ۱۱؛ یوسف: ۱۱۱؛ اعراف: ۱۷۶.
- ۱۵- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ص ۱۰۲، ذیل آیه ۱۳۷ سوره آل عمران.
- ۱۶- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۸۸.
- ۱۷- مرتضی مطهری، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ص ۷۳-۷۴؛ همو، مسئله شناخت، ص ۷۷.
- ۱۸- ر.ک: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۳۱.
- ۱۹- همان، نامه ۶۹، ص ۶۱۱.
- ۲۰- همان، خ ۱۵۷، ص ۱۵۷.
- ۲۱- امام خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۶۲.
- ۲۲- همان، ج ۱۴، ص ۴۹۱؛ ج ۱۸، ص ۹۵، ۱۷۰-۱۷۱ و ۴۱۱.
- ۲۳- همان، ج ۴، ص ۴۷۱.
- ۲۴- همان، ج ۲۱، ص ۲۳۹.
- ۲۵- همان.
- ۲۶- همان، ج ۱۴، ص ۴۹۱.
- ۲۷- امام خمینی، آداب الصلاة، ص ۱۴۸.
- ۲۸- همو، شرح جهل حدیث، ص ۳۹۶.
- ۲۹- امام خمینی، آداب الصلاة، ص ۱۹۲-۱۹۳.
- ۳۰- همان، ص ۱۸۷.
- ۳۱- همان.

- ۷۳- همان، ج ۲۰، ص ۳۱۲.
- ۷۴- همان، ج ۲، ص ۳۷۱-۳۷۰.
- ۷۵- همان، ج ۱۱، ص ۴۹۶؛ ج ۲۰، ص ۱۱۸-۱۱۷؛ ج ۱۷، ص ۴۹۳-۴۹۲.
- ۷۶- همان، ج ۱۷، ص ۳۱۴.
- ۷۷- همان، ج ۸، ص ۱۶۶-۱۶۷، ۲۲۵ و ۴۵۴-۴۵۵؛ ج ۱۰، ص ۱۲ و ۴۱۸؛ ج ۱۲، ص ۲۴۰؛ ج ۱۳، ص ۳۰ و ۵۲۲.
- ۷۸- همان، ج ۱۶، ص ۱۰۵؛ ج ۱۳، ص ۲۸.
- ۷۹- همان، ج ۲، ص ۴۱۰.
- ۸۰- همان، ج ۵، ص ۷۵.
- ۸۱- همان، ج ۵، ص ۱۵۳.
- ۸۲- همان، ج ۱۵، ص ۹ و ۲۶۴؛ ج ۱۷، ص ۵۲.
- ۸۳- همان، ج ۱۷، ص ۵۲.
- ۸۴- همان، ج ۹، ص ۳۸۳؛ ج ۱۴، ص ۱۸۲-۱۸۳.
- ۸۵- همان، ج ۱۴، ص ۴۰۴.
- ۸۶- همان، ج ۱۸، ص ۸۷.
- ۸۷- همان، ج ۱۵، ص ۳۸۴؛ ج ۱۸، ص ۴۴۰.
- ۸۸- همان، ج ۱۷، ص ۴۴ و ۱۰۵.
- ۸۹- همان، ج ۱۶، ص ۴۱۸.
- ۹۰- همان، ج ۱، ص ۱۱۸.
- ۹۱- همان، ج ۲، ص ۱۷۷.
- ۹۲- ر.ک: حسین ارجینی، «عوامل انحطاط و پویایی جوامع اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، *انقلاب اسلامی*، ش ۱۲، ص ۱۱۹-۱۳۳.
- ۹۳- امام خمینی، *صحیفه امام*، ج ۹، ص ۱۲۹.
- ۹۴- همان، ج ۱۶، ص ۲۲.
- ۹۵- همان، ج ۳، ص ۴۹۰.
- ۹۶- همان، ج ۴، ص ۲۳۹؛ ج ۱۴، ص ۲۷۷؛ ج ۱۷، ص ۳۰۸.
- ۹۷- همان، ج ۱۷، ص ۲۵۹؛ ج ۵، ص ۷.
- ۹۸- همان، ج ۵، ص ۱۴۳؛ ج ۶، ص ۱۷۳؛ ج ۹، ص ۴۶۹؛ ج ۱۰، ص ۱۱۸.
- ۹۹- همان، ج ۶، ص ۱۸۹.
- ۱۰۰- همان، ج ۱۹، ص ۴۳۴.
- ۱۰۱- همان، ج ۱۰، ص ۱۱۹.
- ۱۰۲- همان، ج ۱۷، ص ۲۱۰ و ۴۲۴.
- ۱۰۳- امام خمینی، *ولایت فقیه*، ص ۱۳۸.
- ۱۰۴- همو، *صحیفه امام*، ج ۳، ص ۲۳۸؛ ج ۲۱، ص ۲۷۵.
- ۱۰۵- همان، ج ۲، ص ۳۹۶.
- ۱۰۶- همان، ج ۷، ص ۳۸۹.
- ۱۰۷- همان، ج ۷، ص ۳۹۱؛ ج ۸، ص ۲۹۴؛ ج ۹، ص ۴۷۴؛ ج ۱۴، ص ۲۴۱.
- ۱۰۸- همان، ج ۱۴، ص ۳۷۴.
- ۱۰۹- همان، ج ۱۵، ص ۳۶۶.
- ۱۱۰- همان، ج ۱۶، ص ۴۹۱؛ ج ۲۱، ص ۹۷.
- ۱۱۱- همان، ج ۴، ص ۱۰۰.
- ۱۱۲- همان، ج ۱، ص ۳۸۸.
- ۱۱۳- همان، ج ۸، ص ۴۴۹ و ۱۸۴؛ ج ۹، ص ۳۹۲.
- ۱۱۴- همان، ج ۱۱، ص ۱۲۷.
- ۱۱۵- همان، ج ۸، ص ۱۸۴.
- ۱۱۶- همان، ج ۴، ص ۲۳۹.
- ۱۱۷- همان، ج ۹، ص ۳۹۰.
- ۱۱۸- همان، ص ۵۱۴.
- ۱۱۹- همان، ج ۱۴، ص ۴۳۴.
- ۱۲۰- همان، ج ۲۱، ص ۴۱۶؛ ج ۱۳، ص ۲۰۱-۲۰۲؛ ج ۱۴، ص ۱۳۲؛ ج ۱۶، ص ۳۱۲.
- ۱۲۱- همان، ج ۱۶، ص ۷۴.
- ۱۲۲- همان، ج ۱۲، ص ۲۴.
- ۱۲۳- همان، ج ۱۳، ص ۳۵۷.
- ۱۲۴- همان، ج ۵، ص ۵۰۸؛ ج ۱۲، ص ۳۳۵.
- ۱۲۵- همان، ج ۱۷، ص ۲۴.
- ۱۲۶- همان، ج ۱۸، ص ۲۹۷.
- ۱۲۷- همان، ج ۱۷، ص ۴۴۶؛ ج ۱۸، ص ۲۸-۲۷؛ ج ۱۹، ص ۲۵۷.
- ۱۲۸- همان، ج ۱۳، ص ۱۹۶.
- ۱۲۹- همان، ج ۱۷، ص ۴۲۸، ۴۷۲ و ۴۷۸؛ ج ۱۸، ص ۲۹۳.
- ۱۳۰- همان، ج ۱۴، ص ۸۱ و ۱۸۲-۱۸۳.
- ۱۳۱- همان، ج ۲۱، ص ۴۱۶.
- ۱۳۲- همان، ج ۱۱، ص ۲۷۹-۲۷۸.
- ۱۳۳- همان، ج ۴، ص ۵۱۸.
- ۱۳۴- همان، ج ۵، ص ۴۱۰.
- ۱۳۵- همان، ج ۱۱، ص ۴۴۹-۴۴۸.
- ۱۳۶- همان، ج ۷، ص ۵۰۸-۵۱۰؛ ج ۸، ص ۳۴۸؛ ج ۱۶، ص ۴۹۴-۴۹۳.
- ۱۳۷- همان، ج ۱۱، ص ۴۵۸.
- ۱۳۸- همان، ج ۱۳، ص ۳۸۱.
- ۱۳۹- همان، ج ۱۶، ص ۴۲۲.
- ۱۴۰- همان، ج ۱۸، ص ۴۰۱-۴۰۲؛ ج ۱۰، ص ۱۸۳.
- ۱۴۱- همان، ج ۱۵، ص ۹۲.
- ۱۴۲- همان، ج ۱۷، ص ۱۱۸؛ ج ۱۹، ص ۴۸۰.
- ۱۴۳- همان، ج ۱۶، ص ۴۶۷.
- ۱۴۴- همان، ج ۱۹، ص ۱۵۴.
- ۱۴۵- همان، ج ۱۶، ص ۱۳۸ و ۱۳۷-۱۳۴.
- ۱۴۶- همان، ج ۱۹، ص ۲۸۷.
- ۱۴۷- همان، ج ۲۰، ص ۴۹۵؛ ج ۲۱، ص ۴۱۰.
- ۱۴۸- همان، ج ۱۸، ص ۳۱۵ و ۱۴۷.
- ۱۴۹- همان، ج ۱۳، ص ۲۹۴؛ ج ۱۷، ص ۱۵۱.
- ۱۵۰- همان، ج ۱۶، ص ۲۹۶.
- ۱۵۱- همان، ج ۱۷، ص ۴۲۴.

- ۱۵۲- همان، ج ۱۳، ص ۵۲۵.
- ۱۵۳- همان، ج ۱۱، ص ۵۲۶؛ ج ۱۴، ص ۳۳۵.
- ۱۵۴- همان، ج ۵، ص ۱۶۲.
- ۱۵۵- همان، ج ۱۶، ص ۴۸۵.
- ۱۵۶- همان، ج ۷، ص ۶۷؛ ج ۱۱، ص ۳۴۹-۳۴۸.
- ۱۵۷- همان، ج ۱۳، ص ۴۰.
- ۱۵۸- همان، ج ۷، ص ۶۸-۶۷.
- ۱۵۹- همان، ج ۱۹، ص ۳۴۱.
- ۱۶۰- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۳۱۰-۳۰۹.
- ۱۶۱- همو، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۷۱-۱۷۰ و ۴۱۱.
- ۱۶۲- همان، ج ۱۷، ص ۴۳.
- ۱۶۳- همان، ج ۱۶، ص ۴۹۸.
- ۱۶۴- همان، ج ۱۳، ص ۴۵۲.
- ۱۶۵- همان، ج ۱۵، ص ۵۰۴؛ ج ۲۱، ص ۲۸۰.
- ۱۶۶- همان، ج ۱۳، ص ۲۶۵ و ۴۱۰؛ ج ۱۴، ص ۵۱۹-۵۲۱.
- ۱۶۷- همان، ج ۲۱، ص ۳۳۲.
- ۱۶۸- همان، ج ۵، ص ۱۷۷.
- ۱۶۹- همان، ص ۳۵.
- ۱۷۰- همان، ج ۲۱، ص ۴۴۷.
- ۱۷۱- همان، ج ۱۶، ص ۳۴۴.
- _____، ولایت فقیه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
- _____، شرح چهل حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
- طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
- _____، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۷۶.
- _____، مسئله شناخت، تهران، صدرا، ۱۳۷۸.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
- تاریخ معاصر از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، تحقیق محمد هاشمی تروجنی و حمید بصیرت منش، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- سیمای معصومین علیهم السلام در اندیشه امام خمینی علیه السلام، تحقیق مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵.
- لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، کیهان، ۱۳۶۹.
- ارجینی، حسین، «عوامل انحطاط و پویایی جوامع اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، انقلاب اسلامی، ش ۱۲، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۱۹-۱۳۳.
- حداد عادل، غلامعلی، «مختصری در باب اهمیت تاریخ»، گنجینه اسناد، ش ۶۱، بهار ۱۳۸۵، ص ۸۶.
- منابع
- قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ج چهارم، تهران، تابان، ۱۳۸۷.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ج چهارم، قم، مشهور، ۱۳۸۰.
- ابن منظور، لسان العرب، قم، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، بی جا، نشرالثقافه الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن، دیوان المستبد و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- مقریزی، تقی الدین، المواعظو الاعتبار بذکر الخطط و الآثار، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیّه، بی تا.
- امام خمینی، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۰.
- _____، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.
- _____، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی